فهرست

[یادآوری 2](#_Toc100966445)

[سایر عوامل تشدید کننده عذاب 3](#_Toc100966446)

[رضایت و التذاذ 3](#_Toc100966447)

[ابتهاج و افتخار 3](#_Toc100966448)

[ضمیمه بدتر از اصل 4](#_Toc100966449)

[اصرار بر گناه 4](#_Toc100966450)

[تجاهر بر گناه 5](#_Toc100966451)

[شتاب در گناه 5](#_Toc100966452)

[امواج گناه 6](#_Toc100966453)

[تسنین سنن حسنه و سیئه 6](#_Toc100966454)

[خلاصه بحث 8](#_Toc100966455)

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینّا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آله الاطیبین و سیما بقیة الله فی الارضین**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله الحکیم فی کتابه الکریم ﴿**وَ نَكْتُبُ ما قَدَّمُوا وَ آثارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْ‏ءٍ أَحْصَيْناهُ في‏ إِمامٍ مُبين**‏[[1]](#footnote-1)﴾ صدق الله العلی العظیم

# یادآوری

سخن ما در چند جلسه گذشته پیرامون عوامل تشدید کننده عذاب و عقاب در میان گناهان بود و گفتیم که یک سلسله عوامل پیوست به گناه یا چاشنی‌های ضمیمه به گناه وجود دارد که موجب تشدید عذاب و عقاب و آثار سوء گناه می‌شود

در این چند جلسه از این میان آن بیست عامل به یک عامل اشاره کردیم که عبارت بود از کوچک شمردن گناه که در روایات به استصغار، احتقار، استهانه، استقلال، استخفاف تعبیر شده بود

گفتیم که این عامل که موجب اشتداد عقاب و افزایش مواخذه خداوند و اثار سوء گناه می‌شود یک عامل کلیدی است و از فریب‌های بزرگ شیطان این است که در آغاز گناه را، آلودگی را کوچک نشان می‌دهد و همین زمینه ابتلای انسان به گناه و افتادن در مهلکه‌های شدید می‌شود

به این دلیل است که اگر گناه اگر با شرم ساری و بدون کوچک شماری انجام شد یک درجه از مواخذه و عقاب را در پی دارد ولی اگر گناه من و شما با نوعی کوچک شمردن و استخفاف شد درجه عقاب و عذاب آن بالا می‌آید

خود این هم مقول به تشکیک است هر چه انسان گناه و آلودگی را کوچکتر بشمارد عقاب و آثار سوء آن گناه افزایش پیدا می‌کند.

ابعاد مختلف این قصه را از زوایای اخلاقی و رواشناختی و روحی و معرفتی به استناد ده‌ها روایتی که در این زمینه وارد شده است بر شمردیم و به نکات مهمی در این بحث اشاره شد.

چند عنوانی که به این عنوان نزدیک است از آن بیست عنوان را امروز در بخش اول سخن فقط اشاره‌وار تقدیم می‌کنم و مایلم در جلسه کوتاهی که امروز و احیاناً فردا داریم به یک زاویه دیگر از این عوامل هم بپردازم

# سایر عوامل تشدید کننده عذاب

اما آن چند عاملی که در ادامه استخفاف و کوچک شمردن گناه به شمار می‌آید و آن‌ها هم منشأ افزایش گناه و عقاب می‌شوند این‌ها هستند که اشاره‌وار به شما تقدیم می‌کنم.

## رضایت و التذاذ

رضایت و التذاذ هست، کسی گناه را انجام می‌دهد در بحث قبل انجام شد با سرافکندگی می‌داند از یک نظر یک خواسته شیطانی را پاسخ می‌دهد اما در عین حال می‌فهمد و سرافکندگی دارد که مبتلا به این گناه هست. اما یک وقتی هست که بعد از کوچک شمردن احساس لذت و خوشحالی می‌کند این عامل دیگری است که در ادامه استخفاف می‌آید این عامل گاهی به عنوان رضایت در روایات آمده است در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند این دو استخفاف و رضا را با هم جمع کردند فرمودند ﴿**لَا مُصِيبَةَ كَاسْتِهَانَتِكَ بِالذَّنْبِ وَ رِضَاك**‏[[2]](#footnote-2)﴾ هیچ معصیتی بدتر از این نیست که گناه را کم و کوچک بشماری و قلبت به گناه راضی باشد. رضایت به گناه بدهی. این یک عنوان در روایات.

## ابتهاج و افتخار

در بعضی از این روایات عنوان ابتهاج و افتخار آمده است اینها عناوین دیگری است که در بعضی از این روایات وارد شده است حالا این روایت را ملاحظه کنید که امیرالمؤمنین طبق این نقل این جور فرموده اند: ﴿**إِيَّاكَ وَ الِابْتِهَاجَ بِالذَّنْب**[[3]](#footnote-3)‏﴾ مبادا که گناه انجام می‌دهی به گناه خودت افتخار کنی و احساس رضایت و شکوفایی با گناه داشته باشی و افتخار کنی، بعد فرمود: ﴿**فَإِنَّ الِابْتِهَاجَ بِهِ أَعْظَمُ مِنْ رُكُوبِه**‏[[4]](#footnote-4)‏﴾ خیلی جمله بزرگی است امام طبق این نقل می‌فرمایند ابتهاج و خوشحالی به انجام گناه این از اصل گناه بدتر است چون انکه مهم است در گناه این است که قلب کدر می‌شود و وقتی که قلب ابتهاج به گناه دارد احساس شادمانی و شعف می‌کند که گناه را انجام می‌دهد و مرحله بالاتر اینکه افتخار می‌کند گاهی این الوات و اوباش ملاحظه کردید توهین به کسی می‌کند و حق کسی را زیر پا می‌گذارد و می‌آید در جمع گرده می‌کند من آنم که چنین کردم من این جرئت و جسارت و توانمندی را داشتم که بروم به گوش کسی بزنم و حق کسی را ببرم. این افتخار مرحله بالاتر است.

اینها پلکانی بالا می‌آید کوچک می‌شمارد بعد زیبا می‌بیند بعد احساس رضایت و خوشحالی و شادمانی در درون می‌کند و به نقطه‌ای می‌رسد که به گناه افتخار می‌کند این چهار پنج عنوانی است که در این روایاتی که نقل شده است مورد تأکید قرار گرفته است و همه اینها برای این است که انسان گناه را کنار بگذارد ولی لا سمح الله اگر مبتلا شد این قلب را آلوده به خوشحالی و رضایت و شادمانی و ابتهاج و التذاذ و افتخار به گناه نکند این روزنه امید.

اگر کسی توانست که گناه را با این ویژگی‌ها انجام ندهد بلکه گناه هم از دستش در می‌رود با شرمساری است و سر افکندگی است حالت پشیمانی دارد و پیش خود خجالت زده است و به قلب خود که مراجعه می‌کند در محضر خدا که حضور پیدا می‌کند می‌فهمد و توجه دارد که حریم خدا را شکسته است و دست به کار زشتی زده است این أثر گناه را تخفیف می‌دهد ولی آن زنجیره حالات روحی گناه را بدتر می‌کند

# ضمیمه بدتر از اصل

در یک روایتی نقل شده است در لب الباب است از حضرت رسول خدا حضرت محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه این تعبیر را از رسول خدا در ماه مبارک رمضان در آستانه شبهای قدر در موقعیتی که بهترین فرصت‌ها برای پاکسازی درون و اصلاح نفس پیش ما هست. رسول خدا می‌فرماید: ﴿**أَرْبَعَةٌ فِي الذَّنْبِ شَرٌّ مِنَ الذَّنْبِ**[[5]](#footnote-5)‏﴾ تعبیر خیلی بلندی است چهار چیز است در گناه که از اصل گناه بدتر است این خیلی تعبیر عجیبی است این چهار چاشنی و پیوست و ضمیمه در گناهان از اصل گناهان بدتر است چون اینها آن چیزی است که دل را کدر می‌کند و جرئت بر خدا را افزایش می‌دهد و تجری را بالا می‌برد.

این چهارتا چیست؟

۱- الاستحقار که مفصل در چند جلسه بحث کردیم. کوچک شمردن، باز دراینجا اولین عامل را این قرار می‌دهد.

۲- الافتخار، اینکه کسی به گناه افتخار کند، افتخار به گناه از خود گناه بدتر است

۳- الاستبشار، اینکه کسی خوشحال از انجام گناه باشد شادمان و مسرور باشد از اینکه گناهی را مرتکب شد

۴- الاصرار، یکی هم اصرار است

ملاحظه می‌فرمایید که غیر از آن کوچک شمردن و به دنبال آن این عوامل هست، رضایت و التذاذ و ابتهاج و افتخار، و اصرار این تکرار و اصرار داستان مفصلی دارد که اگر می‌خواستیم به هر یک از این‌ها مخصوصاً اصرار بپردازیم خیلی حرف داشت.

# اصرار بر گناه

از میان همه این عوامل اصرار یکی از موضوعاتی است که مفصفل بحث شده است تعریف اصرار و زوایای گوناگونی دارد که آثار فقهی هم بر آن مترتب هست.

اصرار موجب اشتداد گناه می‌شود وقتی کسی گناه اول را انجام داد در حالت طبیعی بر این اصرار صادق نیست مگر اینکه همراهی باعدم توبه و ماندگاری برعدم پشیمانی باشد، این دومی و سومی که تکرار گناه است این‌ها تصاعدی عذابش بالا می‌رود از بعضی روایات این استفاده می‌شود

یعنی گناه دوم که انجام می‌دهد این نگاه به نامحرم کرد گناهی است نگاه دوم همان گناه درجه طبیعی را دارد ولی چون عنوان اصرار بر آن صادق است یک عقاب مضاعف بر آن مترتب می‌شود.

قاعدتاً این اصرار به نحو تشکیکی و ذو درجات بالا می‌رود هر چه بالاتر برود عقاب آن بیشتر می‌شود.

اصرار یک نوع از اصرار این است که یک گناه را چند بار انجام بدهد،

یک نوع دیگر این است که گناهان متنوع را پشت سر هم انجام بدهد، ممکن است کسی بگوید بر اساس بعضی از روایات اصرار این گناه را هم شامل می‌شود

یک نوعی هم که در بعضی از روایات آمده است این است که کسی گناه را انجام داده است و توبه نکرد و به این حال‌عدم پشیمانی ادامه داد یعنی اصرار بر گناه است مستحضرید که توبه واجب است یا واجب عقلی و یا واجب شرعی در هر حال واجب است همین که کسی گناه را انجام داد باید توبه کند. خودعدم توبه موجب صدق اصرار هست

# تجاهر بر گناه

یک عامل دیگر هم تجاهر است یعنی گناه را در علن انجام بدهد گناه علنی بیشتر حریم خدا را می‌شکند و جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد

# شتاب در گناه

یکی هم تسرع و شتاب به سوی گناه است و نهایتاً انکار گناه و همینطور ما نبت علیه اللحم این هم در روایات آمده است یک وقتی گناه را کسی انجام می‌دهد با او پوست و گوشت او رشد می‌کند حالا لقمه حرامی را مصرف کرده است مال غصبی را اکل و شرب کرده است اگر این مال غصبی باعث رشد بدن او بشود این موجب اشداد عقاب می‌شود فلسفه آن هم روشن است.

حدود ۷ – ۸ عامل را بر شمردیم؛ کوچک شمردن گناه، رضایت به گناه، احساس لذت نسبت به گناه کردن، ابتهاج و شادمانی به گناه انجام دادن، تا انکار و تکذیب و تجاهر و امثال اینها.

این مجموعه عوامل چرا گناه را بدتر می‌کند روشن است برای اینکه تجری را بالا می‌برد روح گناه و آنچه که حریم خدا را می‌شکند این جرئت و گستاخی در پیشگاه خداست که این اثار زیانبار را به ارمغان می‌آورد. اینها همه مصداق‌های گستاخی، هر چه قدر گناه با گستاخی بیشتر و تجری شدیدتر انجام بشود اثار وضعی آن در درون و قلب انسان، و آثار اخروی و آینده آن بیشتر می‌شود.

# امواج گناه

اما امروز یک بخش دیگری را می‌خواهم باز کنم غیر از این ۶ – ۷ تایی که باز شد. و آن این که گاهی گناهی که کسی انجام می‌دهد در خلوت خود یا در جلوت هم هست خود اوست و این گناه این گناه یک موج و امتدادی را دنبال خود نمی‌آورد این یک نوع گناه است ولی گاهی گناهی انجام می‌شود که موج و امتداد دارد دنبال خود زنجیره گناهان دیگر از دیگران می‌کشاند این دیگر یک مقوله جدید و بسیار مهم در روایات ما هست، یک گناهانی است که در خودش نمی‌ماند، این گناه به دنبال خود زنجیروار دیگران را هم به گناه می‌کشاند با عناوین مختلف این موجب می‌شود گناه انسان خیلی شدید بشود و شریک در گناهان دیگران هم بشود این هم یک داستانی است که در ثواب یا گناه دیگران شریک می‌شود این قانونی در گناه‌شناسی است

مشارک انسان در زنجیره‌ای از خوبی‌ها و بدی‌هایی که دیگری انجام داده است ولی می‌گوید تو هم در آن سهیم هستی برای اینکه در سلسله و اسباب آن قرار گرفتی.

این عالم محکوم به قانون علیت و سببیت و مسببیت است گاهی افعالی از انسان صادر می‌شود که علت و سبب برای افعال دیگران می‌شود حالا در حد علیت اعدادی، همین ضمیمه و مشوق و زمینه ساز می‌شود که دیگران را هم مبتلا بکند

این از عوامل مهمی است که در روایات ملاحظه می‌کنید

# تسنین سنن حسنه و سیئه

در اینجا اولین عنوانی که اینجا در روایات وجود دارد و به آن اشاره می‌کنم عنوانی به نام تسنین سنن حسنه و تسنین سنن سیئه که این از خود روایات اخذ شده است و در وسائل الشیعه در ابواب امر و نهی باب شانزده، یازده روایت در این بحث آمده است و در مستدرک هم چهارده بحث و ده‌ها روایت دیگر با این مقوله که می‌خواهیم طرح کنیم ارتباط دارد.

اولین عنوان در این بحث که کار خوب یا بد شخص، زمینه ساز صدور خوبی‌ها یا بدی‌ها از دیگران است. چه خوبی‌ها و چه بدی ها، همین که کاری در سلسله علل و اسباب آمد و ضمینه ساز ابتلای دیگران به بدی یا واداشتن آن‌ها به خوبی می‌شود این موجب می‌شود که آن عمل در همان حد معدود خود ثواب نداشته باشد، صد برابر ثواب داشته باشد یا عمل بد بشود صد برابر و هزار برابر و میلیون برابر عقاب دنبال خود بیاورد خیلی عجیب است و همه با آن مانوس هستیم

از این روایت که از کنزالدقائق آمده است البته این روایات در وسائل با عناوین مختلف که عرض خواهم کرد وارد شده است و هم سندهای معتبر دارد سر جمع اگر نگوییم تواتر که بعید است استفاضه دارد.

این روایت در این نقل این طور است ﴿**وَ فِي الْحَدِيثِ: أَنَّ سَائِلًا قَامَ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلّم فَسَأَلَ فَسَكَتَ الْقَوْم**‏[[6]](#footnote-6)﴾ یک قصه‌ای بود که ظاهر این است که خود حضرت در آن جمع اصحاب بودند نیازمندی وارد شد و درخواست از جمع کرد، همه ارام و ساکت نشسته بودند یک برهه‌ای گذشت همه آرام بودند یعنی کسی پاسخ نداد، ﴿**ثُمَّ إِنَّ رَجُلًا أَعْطَاهُ فَأَعْطَاهُ الْقَوْمُ**﴾ بعد از مدتی که گذشت یکی مردانگی کرد و از میان جمع به سؤال او جواب داد و کمکی به او کرد او که این پیشگامی را انجام داد بقیه هم کمک کردند در جمعی مثلاً بیست نفر بودند اولین کس و فردی بود که به این نیازمند کمک کرد، شکل کمک و اندازه کمک هم فرض کنیم یکی بود کمیت کمک یکی هست همه مثلاً هزار تومان کمک کردند ولی در مقام ارزیابی کیفی این اولی با بقیه خیلی فرق دارد این متن آن چیزی است که در روایت آمده است اول همه آرام بودند و یکی پیش قدم شد بعد بقیه هم آمدند حالا بلا تشبیه در گله هم اینطور است اگر می‌خواهد از مانعی عبور بکند یکی جرئت می‌کند می‌رود و بقیه حرکت می‌کنند.

اینجا هم یکی کمک کرد و این جو را شکست، این پیشگامی، جرئت اقدام سریع و پیشگامی در کار خیر است در کار شر را هم بعد خواهیم گفت.

ظاهر این است که رسول خدا آنجا حضور داشتند و این جمله را فرمودند: ﴿**مَنِ اسْتَنَّ خَيْراً**﴾ یا در بعضی از روایات هست ﴿ **من سن خیراً** ﴾ یا ﴿ **من سن سنة حسنه** ﴾ حضرت می‌فرماید کسی که کار خوبی را پایه ریزی کرد بنیانگذار بود و آغازگر بود ﴿**فَلَهُ أَجْرُه‏**﴾ او اجر خود را دارد که این هزار تومان را کمک کرده است این کار خوب را پایه ریزی کرده است ﴿وَ **مِثْلُ أُجُورِ مَنِ اتَّبَعَهُ مِنْ غَيْرِ مُنْتَقَصٍ مِنْ أُجُورِهِم** ﴾ می‌گوید اجر خودش را دارد ذخیره در جای خود محفوظ اجر آن بیست نفری که در تحث تأثیر او این خوبی را دست زدند در همه آن‌ها سهیم است یعنی عین اجر آن‌ها به اولی هم می‌دهد. بلافاصله در روایات هم تأکید می‌شود که بدون اینکه از اجر آن نوزده نفر بعدی کم بشود، آن‌ها همه اجر خود را دارند ولی این اولی که آغازگر بود در همه اجرهای آن‌ها سهیم است و در نقطه مقابل –این قانون در خوبی‌ها در بدی‌ها هم همینطور است – کسی که بدی را پایه ریزی کرد می‌گوید بدی و عقاب خود را دارد و در عقاب آن آدم‌هایی که از او الگو گرفته‌اند سهیم است.

روایت دیگری که در امالی مفید در مستدرک نقل شده است اسماعیل جوفی نقل می‌کند از امام باقر علیه السلام این است ﴿**مَنْ سَنَّ سُنَّةَ عَدْلٍ فَاتُّبِعَ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا**[[7]](#footnote-7)﴾ اگر کسی که یک قانون و روش و سبک خوب عادلانه را پایه‌گذاری کرد تا آنجا که از او متابعت می‌کند و الگو می‌گیرد او در آن سهیم است باز اینجا دارد ﴿**مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْ‏ءٌ**﴾ در بعضی روایات دیگر تکمله‌ای دارد که آن تکمله خیلی امید بخش است. این در نورالثقلین آمده است ظاهرا در مجمع البیان است باز از رسول خداست ﴿**مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَة**[[8]](#footnote-8)﴾ می‌گوید اگر کار خوبی را پایه‌گذاری کردی تا وقتی این عمل موج دارد تا قیام قیامت سهیم هستی و بعد هم بدی هم همینطور اگر کسی بدی پایه گذاشت تا قیام قیامت در آن سهیم است حالا بالاترین مثال بخواهیم بزنیم در دو طرفش سقیفه بنی ساعده است کسانی که امامت را از مدار آن بیرون بردند تا قیام قیامت که این گمراهی وجود دارد در گناهان آن‌ها سهیم هستند خیلی عجیب است این موج تا قیام قیامت می‌رود می‌گوید این ادمی که پایه گذار این سنت باطل و ظلالت و گمراهی بود در همه این گناهان تا آخر سهیم است نقطه مقابل هم پیغمبر اکرم که پایه عدل و معارف الهی را ریخت او تا قیام قیامت در همه این اجرها سهیم است لذا می‌گوید من و علی ابوا هذه الامة پدر حق دارد و نفوذ و حضور دارد در حیات فرزند می‌گوید من و علی در حیات و هدایت جامعه تا قیام قیامت سهیم هستیم لذا نقش و جایگاه ما پدری است

روایات دیگری هم هست که فردا خواهیم گفت.

# خلاصه بحث

آنچه امروز خواستیم بگوییم این است که غیر از آن ویژگی‌های درونی که انسان گناه را کوچک می‌شمارد و افتخار می‌کند و خوشحال و شادمان است و اظهار می‌کند و این‌ها چطور تجری انسان را بالا می‌برد یک نوع دیگر از عامل هم این جا وجود دارد که گناه را تشدید می‌کند و آن گناه، گناه از کسی است که دیگران از او الهام می‌گیرند پایه گذار است نقطه اول را گذاشته است تا آخر جلو می‌رود تا آخر آن زنجیره او سهیم است در خانه است یک رفتاری انجام می‌دهد این رفتار بچه و نوه او هم یاد می‌گیرند.

یک مسئول است وقتی یک اقدام می‌کند آن اقدام او پایه ریزی یک بدی است تا آنجا که دیگران از این بدی چیز یاد می‌گیرند او در آن سهیم است عالم است، مسئول است، پدر است، استاد است، تشویق کننده است، مواظب امواج اعمالمان باشیم.

آن عوامل قبلی یک درس به ما می‌داد می‌گفت مواظب آن احوال قلبی باشد، این درون، درونی نباشد که تن به گناه ندهد و کوچک بشمارد و دلخوش بشود به گناه، این درون انسان را فاسد می‌کند

نکته دوم در این بخش این است که کار تو تا کجا موج دارد وقتی که تو مسئول یک دستگاه هستی کار بدی را پایه ریزی کردی تا آنجا که دیگران هم از آن الهام می‌گیرند تو در آن گناه سهیم هستی این برای کسانی است که کارشان موج دارد مواظب موج عمل و امواج گناه باشیم

از آن طرف امواج خیر هم همینطور است البته اینها در ذیل آن قاعده کلی قرار می‌گیرد که در خوبی‌ها می‌گوید باقیات الصالحات هست و در این طرف هم می‌گوید ظلالت‌ها تا آنجایی که نتیجه کار توست تو در آن سهیم هستی و همانطور آن قانون که می‌گوید بعد از مرگ نیمی از پرونده باز است بخشی از پرونده باز انسان بعد از مرگ، چه خوبی‌ها و چه بدی ها، مربوط به این اموال دارای امواج است مواظب باشیم که اعمالمان امواج دارد، امواجی که دیگران را می‌گیرد و به این جا می‌کشد

اینجا هم علیت فقط به معنای فلسفی نیست اعداد است، تشویق است، زمینه‌سازی و الگودهی به خوبی و یا بدی است. می‌گوید ما در این امواج گناهمان سهیم می‌شویم یک وقتی هم می‌شود موجی که از سقیفه شروع می‌شود و تا قیام قیامت ادامه دارد

از بعثت رسول خدا شروع می‌شود و تا قیام قیامت ادامه دارد. این موج‌های ماندگاری که نسل‌ها باقی می‌ماند این قانون عالم است.

خدایا تو را به خوبان درگاهت سوگند می‌دهیم ما را از همه گناهان مبرا و منزه بدار…

1. - سوره یس، آیه 12 [↑](#footnote-ref-1)
2. - تحف العقول، ص 286 [↑](#footnote-ref-2)
3. -بحارالانوار، ج 75، ص 159 [↑](#footnote-ref-3)
4. -بحارالانوار، ج 75، ص 159 [↑](#footnote-ref-4)
5. - مستدرک الوسائل، ج 11، ص 349 [↑](#footnote-ref-5)
6. - مستدرک الوسائل، ج 12، ص 231 [↑](#footnote-ref-6)
7. - أمالی مفید، ص 191 [↑](#footnote-ref-7)
8. - تحف العقول، ص 243 [↑](#footnote-ref-8)